

This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing.

قبول توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک، لطفاً به لینک زیر مراجعه فرمایید:

<http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing>

بر اساس این مقررات، هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

کندو کاو روزنامه ها

بهان «استاد ازل» دوخته اند از این نظر که بهادار مرعوب شدن «مرعوبین» اکنون میانه دولت با بعضی از «مجدوبین» شکر آب شده و دست میراشرافی ها و طاهری ها و علمای مرعوب شده در دستکش برشی از اعضاء «فراکسیون نهضت ملی» علم معالفت با دولت را بلند کرده است بای شادی زمین میگویند و ابراز شادمانی میکنند.

هرد آسیا که خودش هم نهمیده چه گفته است درباره اختلاف دولت و مجلس ملی که سرمقاله کوتاه و بیباید اینطور اظهار نظر میکند:

«بعضی از اختلاف دولت با مجلس بر سر این قضیه جزئی نمیتواند باشد زیرا تنها توهین دونایند طرفدار دولت قابل ملاحظه نیست بلکه اصولا هر دوازده کسی میباشند که با دولت فعلی از جهت همکاری صمیمانه دارند.

در صورت آنطوریکه از دور و نزدیک استنباط میشود علت این اختلاف هر چه هست بطوری موثر میباشد که ممکن است وضع دولت فعلی را بصورت دیگری درآورد و بزودی مردم از این جریان دیگری غیر از این اختلاف ظاهری آگاه شوند.

ملاحظه می کنید میزان خوشوقتی «مرد آسیا» از بروز اختلاف میان دولت و مجلس بعدی است که آقای «سرمقاله» نویس را به پایان دچار کرده است این بزرگوار در یکجا ادعا میکند که اختلاف دولت و مجلس تنها بر سر توهین بوزراء نیست و در حقیقت دارد دلیلی هم که برای اثبات این ادعا ارائه شده است نمایندگان که بوزراء توهین کرده اند با دولت، همکاری صمیمانه دارند یعنی وجود یک همکاری صمیمانه میان دولت و نمایندگان نهضت ملی، دلیلی است بر وجود یک اختلاف عمیق میان دولت و همین نمایندگان؟

(جل الخالق) بعد با چشم بسته شروع به غیب گویی کرده و پیش بینی فرموده اند که در این اختلاف... ممکن است وضع دولت فعلی را بصورت دیگری درآورد و بزودی مردم از جریان دیگری آگاه شوند!

عجب غیب گویی اعجاز آمیزی... سرمقاله نویسنده (مرد آسیا) بگوید بکنفر با نشان بدهد که نداند اختلاف دولت و مجلس وضع دولت را (بصورت دیگری) در خواهد آورد و مردم را از (جریان دیگری) آگاه خواهد کرد!

اما آنکه بیش از هر دو آسیا از بروز اختلاف میان دولت و مجلس خوشحال شده دان است

«داد» در همین ابراز خوشوقتی از این جریان ظاهر اختلاف بعضی از نمایندگان عشور را کسب نهضت ملی با دولت را رایبورد تلقی کرده و نوشته است:

«مگر وقتی وزیر فعلی فراموش نموده است که وقتی منصور الملک نصفت وزیر اوائل سال ۱۳۲۹ بمجلس آمد خود ایشان باورگفته اند من مثل چوچه سرشارا میبوم!

مگر آقای دکتر مصدق فراموش کردند که در زمستان سال ۱۳۲۹ در مجلس شانزدهم یکی بزم آرا گفت حال... و آن وقت داد نتیجه میگیرد که در مملکتی که سابقه مبارزه های پارلمانی آن بین دولت و مجلس از اینگونه صحت های جالب توجه است چگونه میتوان بدکتر بقای و باوکیل بود ابراهد گرفت که چرا اولی بدولت نسبت قصور در تصدیق پرونده سهام نبرداده و دومی بکافعی نسبت اعمال نمودن وزارت خارجه داده است.

مستتر! قیاس مع الفارق
تفرمائید، اگر منصور الملک ها و رزم آرا ها در مجلس، مورد «اهانت» و تحقیر قرار میگرفتند و از هر طرف که سر میگرداندند، حرفهای درشت از نمایندگان میشنیدند، بدلیل این بود که سزوار چنین رفتاری بودند اما بعنوان پیروی از «سابقه مبارزات پارلمانی» نمیتوان برای دکتر مصدق هم معذور پارلمانی ایجاد کرد و همان رفتاری را که در مجلس بادونتهای خائن گذشته بعمل می آمد، با دولت دکتر مصدق نیز بعمل آورد.

داد در پایان سرمقاله خود، تصمیم

فیه صر گشاده

فیه صر گشاده

دولت را در این بر اینکه باید در مجلس از طرف نمایندگان نسبت بوزراء، عذر خواهی بعمل بیاید، بگریه کشی در حجله تمییز کرده و مینویسد:

دولت ... میخواست باصلاح کربه را در حجله بکشند تا دیگر و کلاسی مجلس هفدهم جرات نکنند از دولت، بر سر و پا استیضاح نمایند تا چه رسد بفروری کار آوردن دولت دیگری افتند.

اما این گریه کشی در حجله عکس العمل گریه رقصانی در «پشت پرده» است و تنها دولت نیست که به عقیده «داد» میخواهد از بروز فکر «روی کار آوردن یک دولت دیگر» در مسیان نمایندگان جلو گیری کند بلکه قبل از دولت، خود مردم هم برای اجرای چنین تصمیمی، مردانه بیا خواسته و آماده برای سر کوبی هر گونه توطئه ضد ملی هستند.

(بیان نو) که با سه سو من سال حیات روزانه نکاری گذاشته (ولی متاسفانه تا بحال سعادت دیدار یک شماره از آن تم نصیب نشده است) در سرمقاله خود با اشاره به همین موضوع مینویسد:

(اروژینی روزی که ملت در آستانه پیروزی است نزدیک است که در مبارزات نجات بخش خود در ایام آخرین تیر کش استوار طلبان رها کرده این افرادی که بنام آخرین تیر کش نامیده میشوند تلاش مذبحانه ای برای عوام فریبی مردم میکنند ولی این ساده لوحان غافلند ملت که انقلاب های عظیم تیرا بیا کرده اند و از آن رشیدی که با آخرین قطره های خون خود بر خاک وطن زنده با دمصدق مینکاشند، اینها، این خون های پر جوش هرگز ازین میروند.

مزدوران دولت انگلستان که بعضی از آنها متاسفانه در جبهه ملی رخنه کرده اند اکنون علم مغالفت برداشته و بنام صلح می خواهند مبارزه برانفخار مارادرم شکنند افراد پست و خائنی که بنام وکیل و روزنامه نویس بر علیه مصدق قدامت گردانند خائنین بوطن و استقلال کشور ما هستند اینهارا باید کویید و نابود کرد

چیز خواران فراماسونری با نوکران کینترم دست در دست ما داده اند تا مبارزه نجات بخش ملی ما را خنثی کنند بر شما ملت شجاع است که مبارزه نهایی و تیر بخش خود را در این شرایط سخت دنبال کنید و با همان روح استوار این بیکار مردانه را تا سرحد پیروزی ادامه دهید در این موقعیت باریک میخوانند بین شما تفرقه اندازند

فرست طلبان سود پرست و سرمایه داران از همه جای غیر موقیت خطرناک خویشا درک نمیکند اینها چون جایی برآب هستند که پس از مدت کوتاهی نیست و نابود میگردد

ما با آخرین قوای خود که خون پاک و مهر مین مالت از مصدق مردی که ایران را در سر بلند و زنده کرد دفاع میکنیم و در این شرایط که فرصت طلبان در گوشه و کنار میخیزند بیکار دیگر وفا داری خود را اعلام میکنیم

یکمشت خنجر
بعد از موضوع «اختلاف» به یکمشت خنجر میرسیم که در روزنامه هادرج شده است.

«پایگاه آزادی» خبر داده است «در گستره» ملسدرد راه دفاع از صلح که در ۲ آذر با شرکت نمایندگان ملل نمایندگان ملل جهان و سازمان های سیاسی اجتماعی و هنری و مهندسی و مجامع علمی و فرهنگی در دین تشکیل خواهد شد، نمایندگان سازمانهای اجتماعی و فرهنگی ایران نیز شرکت خواهند کرد

آقای دکتر متین دلتی از طرف سازمان ایرانی طرفدار بلل صلح و آقای حسن صدر نویسنده معروف... وعده ای دیگر بوی عزیت خواهند کرد

گان میکنم فقط جای چنین دلتی در گستره «صلح ملل» خالی بود که آن هم با عزیت ایشان به «دین» خوشبختانه بر میخورد

ظاهرا نخست وزیر دوره

فیه صر گشاده

فیه صر گشاده

شمن و شدت کامل جبری خود وارد مرحله سرمایه داری شد و پس از آنکه مدتی نیز بر آن گذشت یکی از مشکل ترین مسائلی که حل آن در دستور روز مبارزات مردم قرار گرفت مسئله بیکاری بوده است

در کشور ما که متاسفانه علاوه بر عامل کروز سرمایه، امپریالیسم سیاه نیز با تمام قدرت اهریمنی خسود دست بکار بود بیکاری بیشتر از اغلب کشورهای جهان ملثما را زجر و شکنجه داده است یک نگاه سطحی بوضع اقتصادی مردم سرزمین ما بگوید اشکار میکند که همه معدوم دارای همه چیز هستند و همه کثیری از ابتدائی ترین وسائل زندگی محرومند.

آقای دکتر مصدق! اینهارا یعنی مطالبی را که در بالا بیان اشاره شد شما هم بگویید میدانید، اما آنچه را که من کوشش خواهم کرد در این نامه سرگشاده آنرا تشریح کنم مقدار انبوه ناگامی است که ملیونها نفر از زحمتکشترین طبقات ملت باید با آن روبرو بوسيله دوشهای ناتوان خود تحمل کنند

خود پس از شانزده سال تحصیل که نیدانم بباطر چه کرده ام! و علمی که نیدانم برای که آموخته ام! اینروزها روی دیدار پدر و مادرم را ندارم پس از اینکه دوره تحصیل را با آنکه کوچک ترین وقفه ای در آن روی دهم بیابان رسانیدم بجای آنکه منصرف باشم و سر بلند. از اینکه نمی توانم کاردی بایم و هنوز ناچارم که باری بر دوشهای ناتوان پدرم باشم شرمند هستم

اینکه صحبت از تحصیل می کنم نه بباطر آنستکه تحصیل را فضیلتی برای خود میدانم بلکه بدینجهت می باشد که جناب عالی را متوجه این موضوع نمایم که اینجناب با داشتن عالیترین معلومات فنی کلاسیک باید تلفی بیکاری را این چنین بچشم، پس وای بحال کسانیکه اجتماع و شرایط دوزخی باشا اجازه نداده است همین قدر راهم بدانند

آری اگر من با داشتن معلومات فنی و با دین نظر گرفتن اینکه در سال جاری هفت نفر مانند اینجناب فارغ التحصیل شده اند، نمی توانم کاری بایم و ولتهای بدست نیاردم بطور ملیونها نفر مردم زحمتکش این کشور می توانند زندگی کنند

دیروز پس از اینکه بهمجا سرزدم و بدینال شغلی دوندگی کردم و همهجا جواب رد شنیدم پیش خودم فکر کردم که آیا این اجتماع برای من و ملیونها امثال من حق حیات فانی نیست؟ آیا فلان کارگر زحمتکش یا آن دهقان سبور و کارکن و من مهندس و ملیونها نظیر ما که جزو طبقه حاکم نیسیم ناچاریم فرمان تغییر ناپذیر و ابسی رژیم منحل بوسیله کنونی عمر کوتا خود را در منجلا بپیریم.

روزی ها سیاه کنم؟
پیش خودم فکر کردم که هم اکنون نزدیک بصداهای انزور و شیبای طبقه حاکم که با خرمی که ظاهرا پدرانمان می بردازند و در واقع از جیب زحمتکشان ملت ایران برداخت می گردد و در بهتر بن مجلهای دنیا مشغولند و فرودام که از سفر باز می آیند بازم آقا و سرورند ولی من و ملیونها امثال من باید یک عمر شکنجه به بینیم و وسائل راحت برای آنها بسازیم پیش خودم فکر کردم هستند صد ها نفر کسانی که از مکتب خون مردم استعمار زده ملت ما بروی خرابه های این کشور می رفتند و ما حاصل کار زحمتکشان ما را برای غیابی و خوشگذرانی خود و فرزندانشان در ما یک بیگانه صرف مینمایند و در میان ملت باستانمانه های ایرانی ارباب و آفا هستند و این بیکاری ما مسلما ما حاصل زندگی کثیف آنهاست.

آقای دکتر! آیا هیچ با انسانی اجازه نمیده که اربابهای والا با آ که در جریان نهضت بزرگ ملت شرافتمند ما از کوچکترین همکاری دربروزیدند و حتی اکثر آنها از شرین کثرتین اوراق قرضه ملی سر باز زده حالادر میان ملت گرسنه و فقیر ما از بهترین نم زندگی بخرج ملت ایران بر خود دار باشند و آزادانه بگردند و بیگانه که مسیبت اصلی بدین می باشد بدینجهت دیگری نیز فراهم سازند؟

ما قیام کرده ایم برای آنکه پس از این بتوانیم آزاد و شرافتمند زندگی کنیم، قیام کرده ایم بباطر اینکه حق مسلم و غارت شده خود را بدست بیاریم و اینها مطالبی هستند که خود جنابانی بنمایند که ملت ما بارها متذکر شده ایم و بنا بر این من خود را ناگزیر می بینم که بیش از این با آنها اشاره کنم و اما

فیه صر گشاده

فیه صر گشاده

شمن و شدت کامل جبری خود وارد مرحله سرمایه داری شد و پس از آنکه مدتی نیز بر آن گذشت یکی از مشکل ترین مسائلی که حل آن در دستور روز مبارزات مردم قرار گرفت مسئله بیکاری بوده است

در کشور ما که متاسفانه علاوه بر عامل کروز سرمایه، امپریالیسم سیاه نیز با تمام قدرت اهریمنی خسود دست بکار بود بیکاری بیشتر از اغلب کشورهای جهان ملثما را زجر و شکنجه داده است یک نگاه سطحی بوضع اقتصادی مردم سرزمین ما بگوید اشکار میکند که همه معدوم دارای همه چیز هستند و همه کثیری از ابتدائی ترین وسائل زندگی محرومند.

آقای دکتر مصدق! اینهارا یعنی مطالبی را که در بالا بیان اشاره شد شما هم بگویید میدانید، اما آنچه را که من کوشش خواهم کرد در این نامه سرگشاده آنرا تشریح کنم مقدار انبوه ناگامی است که ملیونها نفر از زحمتکشترین طبقات ملت باید با آن روبرو بوسيله دوشهای ناتوان خود تحمل کنند

خود پس از شانزده سال تحصیل که نیدانم بباطر چه کرده ام! و علمی که نیدانم برای که آموخته ام! اینروزها روی دیدار پدر و مادرم را ندارم پس از اینکه دوره تحصیل را با آنکه کوچک ترین وقفه ای در آن روی دهم بیابان رسانیدم بجای آنکه منصرف باشم و سر بلند. از اینکه نمی توانم کاردی بایم و هنوز ناچارم که باری بر دوشهای ناتوان پدرم باشم شرمند هستم

اینکه صحبت از تحصیل می کنم نه بباطر آنستکه تحصیل را فضیلتی برای خود میدانم بلکه بدینجهت می باشد که جناب عالی را متوجه این موضوع نمایم که اینجناب با داشتن عالیترین معلومات فنی کلاسیک باید تلفی بیکاری را این چنین بچشم، پس وای بحال کسانیکه اجتماع و شرایط دوزخی باشا اجازه نداده است همین قدر راهم بدانند

آری اگر من با داشتن معلومات فنی و با دین نظر گرفتن اینکه در سال جاری هفت نفر مانند اینجناب فارغ التحصیل شده اند، نمی توانم کاری بایم و ولتهای بدست نیاردم بطور ملیونها نفر مردم زحمتکش این کشور می توانند زندگی کنند

دیروز پس از اینکه بهمجا سرزدم و بدینال شغلی دوندگی کردم و همهجا جواب رد شنیدم پیش خودم فکر کردم که آیا این اجتماع برای من و ملیونها امثال من حق حیات فانی نیست؟ آیا فلان کارگر زحمتکش یا آن دهقان سبور و کارکن و من مهندس و ملیونها نظیر ما که جزو طبقه حاکم نیسیم ناچاریم فرمان تغییر ناپذیر و ابسی رژیم منحل بوسیله کنونی عمر کوتا خود را در منجلا بپیریم.

روزی ها سیاه کنم؟
پیش خودم فکر کردم که هم اکنون نزدیک بصداهای انزور و شیبای طبقه حاکم که با خرمی که ظاهرا پدرانمان می بردازند و در واقع از جیب زحمتکشان ملت ایران برداخت می گردد و در بهتر بن مجلهای دنیا مشغولند و فرودام که از سفر باز می آیند بازم آقا و سرورند ولی من و ملیونها امثال من باید یک عمر شکنجه به بینیم و وسائل راحت برای آنها بسازیم پیش خودم فکر کردم هستند صد ها نفر کسانی که از مکتب خون مردم استعمار زده ملت ما بروی خرابه های این کشور می رفتند و ما حاصل کار زحمتکشان ما را برای غیابی و خوشگذرانی خود و فرزندانشان در ما یک بیگانه صرف مینمایند و در میان ملت باستانمانه های ایرانی ارباب و آفا هستند و این بیکاری ما مسلما ما حاصل زندگی کثیف آنهاست.

آقای دکتر! آیا هیچ با انسانی اجازه نمیده که اربابهای والا با آ که در جریان نهضت بزرگ ملت شرافتمند ما از کوچکترین همکاری دربروزیدند و حتی اکثر آنها از شرین کثرتین اوراق قرضه ملی سر باز زده حالادر میان ملت گرسنه و فقیر ما از بهترین نم زندگی بخرج ملت ایران بر خود دار باشند و آزادانه بگردند و بیگانه که مسیبت اصلی بدین می باشد بدینجهت دیگری نیز فراهم سازند؟

ما قیام کرده ایم برای آنکه پس از این بتوانیم آزاد و شرافتمند زندگی کنیم، قیام کرده ایم بباطر اینکه حق مسلم و غارت شده خود را بدست بیاریم و اینها مطالبی هستند که خود جنابانی بنمایند که ملت ما بارها متذکر شده ایم و بنا بر این من خود را ناگزیر می بینم که بیش از این با آنها اشاره کنم و اما

ظاهرا نخست وزیر دوره

فیه صر گشاده

فیه صر گشاده

شمن و شدت کامل جبری خود وارد مرحله سرمایه داری شد و پس از آنکه مدتی نیز بر آن گذشت یکی از مشکل ترین مسائلی که حل آن در دستور روز مبارزات مردم قرار گرفت مسئله بیکاری بوده است

در کشور ما که متاسفانه علاوه بر عامل کروز سرمایه، امپریالیسم سیاه نیز با تمام قدرت اهریمنی خسود دست بکار بود بیکاری بیشتر از اغلب کشورهای جهان ملثما را زجر و شکنجه داده است یک نگاه سطحی بوضع اقتصادی مردم سرزمین ما بگوید اشکار میکند که همه معدوم دارای همه چیز هستند و همه کثیری از ابتدائی ترین وسائل زندگی محرومند.

آقای دکتر مصدق! اینهارا یعنی مطالبی را که در بالا بیان اشاره شد شما هم بگویید میدانید، اما آنچه را که من کوشش خواهم کرد در این نامه سرگشاده آنرا تشریح کنم مقدار انبوه ناگامی است که ملیونها نفر از زحمتکشترین طبقات ملت باید با آن روبرو بوسيله دوشهای ناتوان خود تحمل کنند

خود پس از شانزده سال تحصیل که نیدانم بباطر چه کرده ام! و علمی که نیدانم برای که آموخته ام! اینروزها روی دیدار پدر و مادرم را ندارم پس از اینکه دوره تحصیل را با آنکه کوچک ترین وقفه ای در آن روی دهم بیابان رسانیدم بجای آنکه منصرف باشم و سر بلند. از اینکه نمی توانم کاردی بایم و هنوز ناچارم که باری بر دوشهای ناتوان پدرم باشم شرمند هستم

اینکه صحبت از تحصیل می کنم نه بباطر آنستکه تحصیل را فضیلتی برای خود میدانم بلکه بدینجهت می باشد که جناب عالی را متوجه این موضوع نمایم که اینجناب با داشتن عالیترین معلومات فنی کلاسیک باید تلفی بیکاری را این چنین بچشم، پس وای بحال کسانیکه اجتماع و شرایط دوزخی باشا اجازه نداده است همین قدر راهم بدانند

آری اگر من با داشتن معلومات فنی و با دین نظر گرفتن اینکه در سال جاری هفت نفر مانند اینجناب فارغ التحصیل شده اند، نمی توانم کاری بایم و ولتهای بدست نیاردم بطور ملیونها نفر مردم زحمتکش این کشور می توانند زندگی کنند

دیروز پس از اینکه بهمجا سرزدم و بدینال شغلی دوندگی کردم و همهجا جواب رد شنیدم پیش خودم فکر کردم که آیا این اجتماع برای من و ملیونها امثال من حق حیات فانی نیست؟ آیا فلان کارگر زحمتکش یا آن دهقان سبور و کارکن و من مهندس و ملیونها نظیر ما که جزو طبقه حاکم نیسیم ناچاریم فرمان تغییر ناپذیر و ابسی رژیم منحل بوسیله کنونی عمر کوتا خود را در منجلا بپیریم.

روزی ها سیاه کنم؟
پیش خودم فکر کردم که هم اکنون نزدیک بصداهای انزور و شیبای طبقه حاکم که با خرمی که ظاهرا پدرانمان می بردازند و در واقع از جیب زحمتکشان ملت ایران برداخت می گردد و در بهتر بن مجلهای دنیا مشغولند و فرودام که از سفر باز می آیند بازم آقا و سرورند ولی من و ملیونها امثال من باید یک عمر شکنجه به بینیم و وسائل راحت برای آنها بسازیم پیش خودم فکر کردم هستند صد ها نفر کسانی که از مکتب خون مردم استعمار زده ملت ما بروی خرابه های این کشور می رفتند و ما حاصل کار زحمتکشان ما را برای غیابی و خوشگذرانی خود و فرزندانشان در ما یک بیگانه صرف مینمایند و در میان ملت باستانمانه های ایرانی ارباب و آفا هستند و این بیکاری ما مسلما ما حاصل زندگی کثیف آنهاست.

آقای دکتر! آیا هیچ با انسانی اجازه نمیده که اربابهای والا با آ که در جریان نهضت بزرگ ملت شرافتمند ما از کوچکترین همکاری دربروزیدند و حتی اکثر آنها از شرین کثرتین اوراق قرضه ملی سر باز زده حالادر میان ملت گرسنه و فقیر ما از بهترین نم زندگی بخرج ملت ایران بر خود دار باشند و آزادانه بگردند و بیگانه که مسیبت اصلی بدین می باشد بدینجهت دیگری نیز فراهم سازند؟

ما قیام کرده ایم برای آنکه پس از این بتوانیم آزاد و شرافتمند زندگی کنیم، قیام کرده ایم بباطر اینکه حق مسلم و غارت شده خود را بدست بیاریم و اینها مطالبی هستند که خود جنابانی بنمایند که ملت ما بارها متذکر شده ایم و بنا بر این من خود را ناگزیر می بینم که بیش از این با آنها اشاره کنم و اما

ظاهرا نخست وزیر دوره

لباسهای فصل بر ای تمام طبقات، پارچه خوب و قیمت ارزان در جنرال مدلاله زار کوچه بر لن تلفن ۳۳۹۹۲

آندره ژید «۱۱» ترجمه جلال آل احمد

بازگشت از شوروی

این ترجمه را بیستم هائی که هنوز بیست است هدیه می کنم
ج. آ. آ.

بواسطه تراکم مطالب بشماره بعد موکول گردید

«صیامت ما» و «کندو گاوچی» ما»

در آن جبهه هفتیم سخن رانده و بلازم کم لطفی درباره کندو گاوچی ادامه یافت در حال با نوشتن این ستوروزنامه نیروی سوم این مشاجرات را خانه یافته تلقی می کند و مخصوصاً توجه آقای نوبخت را باین نکته جلب می کند که هلاکت و ایمان ایشان به جوانان میهن پرست در عین حال باید توجه جوانانی از نوع کندو گاوچی نیروی سوم باشد که علی رغم موانع مادی و معنوی با جدیت بیستانه در راه مبارزه ای که می باشد که آقای نوبخت هم مانند ماها انتقاد اینرا دارند که سالک آن طریق بودند برض این که آقای نوبخت با اصطلاح خودتان باز هم امروز ما را «ادب» کرده و با آن کار بیگانه های «چوپناری» بکار برده باشند بیاس سابق همکاری در مبارزه ضد استعماری ما آنها را ندیده گرفته و به وظائف مهمتر اجتماعی خواهیم پرداخت

تمام اعضاء حزب زحمتکش پس از روزنامه ادکات هر روز صبح روزنامه سیاست مارا می خوانند یکی از اعضاء هیئت تحریریه «حکایت می کنند که تنها روزنامه غیر حزبی صبح که او با پول خریداری می خواند سیاست ماست ماهر که در ضمن انتقادات ارزش بزرگ مبارزات سیاست ما را فراموش نکرده و متکرر بوده ایم و حتی سیاست مثبت که نویسنده آن روزنامه تعقیب می کند همواره مورد پشتیبانی ما بوده و خواهد بود و ما همیشه از سیاست واقع بینانه در مسائل خارجی و داخلی مدافعه کرده ایم و اکثریت نزدیک بشام اعضاء حزب ما و هیئت تحریریه ما این سیاست واقع بینانه را همواره پشتیبانی کرده اند و در اصول این سیاست واقع بینانه با روزنامه سیاست ما اختلاف نظری نداریم اگر بعضی از اعضاء حزب و یاهیت تحریریه سلیقه متفاوتی در جزئیات مسئله با سیاست ما بآهر روزنامه ملی دیگر داشته باشند نباید صدمه و زبانی به لزوم حفظ وحدت جبهه مبارزه وارد سازد

قلوب اعضاء حزب مادر طی مبارزات دوسال اخیر همواره هماهنگ با قلوب نویسندگان سیاست ما بوده است در بلندی ها و پستی ها در شادابی و ناخوشی ها که در راه مبارزه پیش می آمده ما با نویسندگان سیاست ما و سایر جراید و احزاب و جمعیت های ملی شریک بوده ایم در این مواقع حساس و صحنه های آخری که سیاست استعماری برای درهم شکنی ما ... پیش آورده ما هرگز تسلیم احساسات نشده و خدمات گرانبهای سیاست ما را علی رغم اختلاف سلیقه ها می دهیم و با هم همکاری کرد اغلب ما علی رغم اختلافات مسلکی و با سلیقه که با آقای نوبخت بزرگ (پدر) ممکن است داشته باشیم همواره مبارزات شجاعانه و میهن پرستانه ایشان را با نظر تحسین نگاه کرده ایم که در روزهای تاریکی که برای میهن ما پیش آمده بود با شجاعت بی مانندی از حقوق ملت و میهن دفاع می کردند

کمیته مدارس

از آقایان نامبرده در ذیل بدینوسیله دعوت میشود که روز سه شنبه (امروز) ساعت هفت از ظهر در جلسه کمیته مدارس شرکت کنند،
عربزاده، رحمانزاده، علی توفیق، سینائی، زیدی، رسولی، دادستانی، مشعوف، موسی زاده، شمس، معامدی، صفا، نورمحمدیان، پاشائی، صدقی، رهنموی، شهیدی، سروری، انصام، دربیانی، جاوید، بوسقی، بسی آزاد، مرتضوی، مسکاکی

بدین طریق بود که یک جنایت تاریخی اتفاق افتاد

ساعتی در شهر زنک دوبعد از نیمه شب در ناوخت - ماستنی با صدای تو دماغی و یکنواخت بغواندن سینه پرداخت شده شده میخواند، گویی بین هر جمله بتکرر می بردازد نامه در دستش میبرد و چهار کتور آلمان، امپراتوری متحده انگلیس، فرانسه، ایتالیا با توجه بقراردادی که قبلا روی اصل واکنداری مناطق آلمانی نشین سوودت بکشور آلمان تنظیم نموده اند شرح مواد زیر در باره مقررات و شرایط اجرای این واکنداری موافقت حاصل مینماید.

۱ - تاریخ شروع تخلیه مناطق اول اکبر خواهد بود.

۲ - کشور های متحده بریتانیا و فرانسه و ایتالیا موافقت نموده اند که در صورت تقاضا این تخلیه بدست اکثریتخانه پذیرد، بدون اینکه بجهت کمبود مسواست آن خسارت و صدمه ای وارد آید.

دولت چکسلواکی در تمام مدت این تخلیه هم چنان مسئولیت اداره این نواحی را بعهده خواهد داشت.

بدین طریق که هیچگونه خسارتی به موسسات مذکور وارد نیاید.

۳ - مقررات این تخلیه توسط کمیسیون بین المللی مرکب از نمایندگان آلمان، انگلستان، فرانسه و ایتالیا و چکسلواکی تنظیم خواهد شد.

از رفقای شهرستان ساری عضو حزب مقیم مرکز تقاضا میشود که برای تشکیل کمیته شهرستان ساری و امور مربوطه دیگر ساعت هفت از ظهر امروز در کلوب حزب حضور بفرمایند.

تشکیلات شهرستانها

چاپ شرکت مطبوعات

گرملین میلرزد

بقیه از صفحه ۱

بودند عبارتند از: اسلانسکی منشی سابق حزب کمونیست و کلمنتیس معاون سابق وزارت امور خارجه که متهم بقیام علیه کوتواله رئیس جمهوری چکوسلواکی بودند و با اعدام محکوم شدند عده زیادی بجهتسای دالم محکوم گردیده اند.

نقل از کیهان شماره ۲۸۶۴ برای ما آن ها که موختر آشنایی سیاست روز کیهان دارند این حکم از روز اول «محاكمه» معلوم بوده ما میدانستیم مصالح عالی کرملین اجازه نخواهد داد که ملل «آزاد» شده و تحت حکومت «جمهوری توده ای» تدهای ملیت و با آزادی ملت بدهند. با هر کرملین افراد نوکر مسلکی نظیر کوتواله بهتر میتوانند منویات «سوسیالیستی» اشتالین «کبیر» را اجرا کنند.

کرملین بسختی از تفکرات شخصی و با توجهات ملی بیزار است ما میتوانیم اذعان کنیم که هموطنان ما پیش از سایر ملل طعم حکومت زور و قلدری را چشیده اند - آزاد بخوان مردم ما بیشتر از همه در گوشه زندانها زجر کشیده اند و با اکثر ابرمج «انصراف» و استقلال فکر در مقابل دیکتاتور تحت شکنجه جان داده اند. اکثر مردمان آگاه کشور ما داستان «اعترافات» اسدی و فرخی را خوانده و یا بعهده خویش دیده اند. دیگر برای ما «اعترافات» اسلانسکی و کلمنتیس در محضر «دادگاه» «جمهوری توده ای» بشوئی مشخص است ما میدانیم که «اعترافات» اسلانسکی بنظیر «استفاد» در پیشگاه ممدار بزرگ جهان نبوده و با بارش ارتکاب «جنایت» از روی رغبت و میل انجام شده است ما میدانیم ما بطور کلی بقیه های آب جوش، موی اسب و دستبند های قبانی اسبی و زرخ را با اعتراف و اوداشتن اسلانسکی و کلمنتیس دیگر در ارتعاشات سفر مظاهر دیگری از «سوسیالیزم» اشتالین «با اعتراف» واداشته شده اند

مع الوصف آنچه برای ما مهم است کیفیت عمل «اعتراف» و با مجازاتی که در «منترقین» اجرا میشود دست زبر همان طور که گذشت انهام «انصراف» و توطئه علیه حکومت (ج. - وری توده ای) چگو تکی حکم مساجات را در پیشست «سوسیالیزم» از ابتدا معلوم میکنند.

ولی آنچه که اهمیت دارد ظهور این همه تئوریست و تروتسکیست که در کیهان هم است آنچه خبر است که از پشت سوسیالیزم ا در فدا بدهند و میخوانند از راهی که تئوروت خود را «بجهت» سرمایه داری بر تاپ کنند و بازم چه سری است که آنابو کرها و اسلانسکی ها از بنیان گذاران دنیای نوری سوسیالیزم مبارزان وفادار و واقعی خدمتاریالیست در رژیم «سوسیالیستی» محکوم میشوند و بجزم و توطئه» علیه کوتواله محکوم با اعدام میشوند ولی همین کوتواله حلقه بگوش فملی نه تنها بریاست جمهوری «توده ای» ارتقا مینماید بلکه آنابو کر و اسلانسکی بجزم توطئه علیه آن کوتواله اعدام میشوند و بازم مطلب مهم اینست که چرا تمام این «منترقین» از «مقتدین رژیم کمونیسم هستند مطلب مهم اینست که

مسئولین دیر ستانها

جلسات هفتگی کمیته مدارس بروز هفتیه ساعت ه بعد از ظهر موکول شد لازم است کلیه مسئولین دبیرستان هادر جلسه کمیته شرکت کنند.

مسئول کمیته مدارس

حوزه ۶ دبیرستان پیرنیا امروز ساعت ده بعد از ظهر تشکیل می شود حضور اعضاء حوزه ضروری است.

مسئول حوزه

روز تعطیل عمومی توده ایها چه میگردند؟

روزشنبه که ملت ایران برای ابراز همدردی با ملت قهرمان عراق، تعطیل عمومی کرد، نقش آرزیتورهای حزب توده بسیار جانب بود. در تهران اعضاء حزب توده بدسته های پنج تا ده نفری تقسیم شده بودند و بر سر چهارراهها، گامگاه شارهائی از آنان شنیده میشد. این شمار راجع بکنفرانس «صلح» وین» وغیره بود و اصولا نامی از ملت عراق و از شهدای عراقی در بین نبود. کلیه توده ایها که در نقاط مختلف قیلو قال میکردند، از چند صد نفر تجاوز نمیکرد ولی بنظر «شهباز شد استعمار» این عده خیلی بیش از چند صد نفر بوده ...

لکنه جانب توجه اینست که در همهجا مردم شرافتمند و ضد استعمار تهران، با نظر نفرت و تنفر با آرزیتورهای حزب توده می نگرستند و در زیر یک نمونه از این احساسات مردم دا دوج میکنیم.

در لاله زار سه تن از آرزیتورهای حزب توده مورد تمسخر مردم قرار گرفتند

در خیابان لاله زار سه تن از آرزیتورهای حزب توده برای موفقیت احمد شریعت زاده لیدر سابق فراکسیون حزب دموکرات قوام السلطنه ولیدر کنونی خانه صلح ایران، بنوان ابراز «همدردی با ملت عراق» «شماره های می دادند و در ضمن نطق آنها، وقتی برعارین معرزه شد که اینان وابسته بغانه ای صلح و حزب توده میباشد، شماره های «روس و آمریکا انگلیس برای ملت ایران یکسان» نیروی ملتها بیروز میشود» از بین مردم بگوش رسید و در حالیکه «آرزیتورها» پاموج تمسخر مردم رو برو شدند و سرشکنا و مفتضحانه زبان در قفا کردند و با فرار گذارند.

بقیه از صفحه ۱ اخبار

۱- در جلسه فراکسیون نسبت بواقعه شوم سیام تیر تصمیم کلی اتخاذ کرد و نظر فراکسیون روشن شود.

۲- فراکسیون نظر قاطع خود را بصورت روشنی نسبت بدولت دستگناه او اتخاذ کرده بدولت رسا ابلاغ نماید.

۳- روش عمومی یا لاقائل نظر سیاسی ونوع مبارزه فراکسیون و خلاصه هدف و برنامه فراکسیون بطور مشخص روشن شود.

سپس چهارتن آقایان حاج سیدجوادی، دکتر معظمی، انگلی و دکتر سنجابی تعیین شدند که بحضور آقای نصحت وزیر پرستند و نظر ایشان راجع بنامه ای که میخواهند بپسلس بفرستند و دیروز مورد تایید سخنگوی دولت قرار گرفت؛ بیه خواسته.

آقایان مزبور دوساعت بکسریم بخش بعد از ظهر بخانه آقای نصحت وزیر رفتند.

مهندس حسینی و دکتر سنجابی بدکتر بقائی پاسخ دادند

در جلسه گذشته فراکسیون نهضت ملی آقایان مهندس حسینی و دکتر سنجابی در پاسخ اظهارات آقای دکتر بقائی مطالبی بیان داشتند که دوزیر از نظر خوانندگان می گذرد.

آقای مهندس حسینی گفتند

شایدست خود، خود را بطلبه انداختی و حالا اگر آقای دکتر بقائی خودش بدست خود را در دلت انداخته است بدیگران چه مربوط است و این نباید موجب حمله بدولت و تضحیف او که در حقیقت تضعیف مبارزه مقدس ملی است بشود.

آقای دکتر بقائی خوب بود از روز اول چنین قولی به مردم نمی دادند و حالا که بقول خود پای بند و طرفدار آقای دکتر صمق هستند غر ب است. بایشان همچنان اعتقاد و اطمینان داشته باشد تا دولت کار را تعقیب کند.

دکان نباید بشود

آقای دکتر سنجابی در حالیکه از جای خود بلند شده بود گفت پس از اشاره بواقعه تیرماه و منوئیت حساس جهان و مردم ادامه مبارزه با حصول نتیجه نهایی گفت همه ما معتقدیم باید مسیبین و مباشرین واقعه سیام تیر ماه که در آن روز عده ای از هموطنان عزیزم، شربت شهادت نوشیده اند، مجازات شوند تا سرمشقی برای آیتنه گردد ولی باید این را تصدیق کرد که این واقعه نباید دکان شود و بوسیله آن بدولت حمله گردد و موجب تضعیف دولت که در حال حاضر برای رفع مشکلات احتیاج بقوت دارد فراهم گردد.

دکتر شایگان نیز تأیید کرد

آقای دکتر شایگان نیز در تأیید بیانات آقایان مهندس حسینی و دکتر سنجابی را تأیید کردند و فرمودند بی انصاف نباید بود و بجهت از دولت انتقاد نباید کرد باید مشکلات و امکانات را با هم سنجید و آنوقت اظهار نظر نمود و در هر حال باید جدا از دولت تقویت کرد.

توده ایها برای دریافت گذرنامه جهت شرکت در «کنفرانس صلح وین» از آیتاله کاشانی توصیه می گیرند

خبرنگار ما اطلاع میدهد که حزب توده برای اینکه نمایندگان «ملت ایران» را بکنفرانس صلح «وین» برساند، بر فعالیت خود افزوده است. در روزهای اخیر اشخاص مختلفی از نامزدهای حزب توده بواسطت چندین از اطرافیان حضرت آیتاله کاشانی بآیتاله مراجعه کرده و از ایشان توصیه اجازه صدور گذرنامه تحصیل کرده اند. البته آیتاله روی عدم اطلاع و فقط بعنوان مالجه وغیره بنام بردگان مساعدت نموده اند.

گفته میشود که تاکنون بنام شش نفر بترتیب فوق گذرنامه صادر شده است. طبق تحقیق مخبر ما بازار معاملت «گذرنامه» خیلی گرم شده و عناصر وابسته بحزب توده هر گذرنامه را تا ده هزار ریال خریداری مینمایند.

زمانی که «ملت ایران» برای شرکت در کنفرانس «وین» گیسند از نمایندگان ملت ایران که برای شرکت در کنفرانس «صلح وین» از طرف حزب توده استخدام شده اند، می توان اشخاص زیر را نام برد: آقای احمد شریعت زاده وکیل مدافع قوام السلطنه و رئیس خانه صلح ایران، دکتر منین دترنی سناتور سابق و عضو کشتابوری آلمان وعضو اداره اطلاعات شرکت سابق نفت، امیر خسروی از متقدمین محل و چند ملا و وثودال و شاهزاده.

در حزب ایران عناصری علیه آن حزب فعالیت میکنند

تقریب اطلاع دنباله جریانی که در حزب زحمتکش ملت ایران علیه دولت ملی دکتر مصدق فعالیت میکرد و بالاخره در تحول اخیر حزب، خنثی شد، اینک در حزب ایران بقالیتهای علیه آن حزب مینماید.

یکی از عاملین این جریان که سال پیش بحزب ایران وارد شده است و بقول خودش بشری معنوی میباشد، دین را وسیله ایجاد اختلاف در حزب ایران قرار داده و علیه رهبران آن حزب اشاعات سوئی نشر میدهد.

ما میدانیم که جناب آقای مهندس حسینی و جناب آقای مهندس زید کزاده و سایر مسئولین حزب ایران پشتیبانی از دولت ملی دکتر مصدق مومن هستند توجه فرمایند و نگذارند تحت عنوان فریب دهنده علیه مصالح آن حزب و دولت ملی دکتر مصدق فعالیت شود.

مدیر روزنامه خبر ۸۰۰۰ ریال کلاهبرداری کرده است

یک خبر واصله حاکیست که آقای نیکبور نائبی مدیر روزنامه دورنگ خبر ۸۰۰۰ هزار ریال کلاهبرداری نموده است.

جریان از این قرار است که آقای نیکبور از شخصی بنام مهدی امیری که در اکبر آباد سلسبیل جنب کوچه زیبادکان دارد، در حدود ۸۰۰۰ ریال آهن ورق خریداری میکند و چکی بشماره ۹۸۵۸۷ قابل پرداخت در شعبه مرکز ببلغ مز بود بنام آهن فروش صادر مینماید، ولی بلافاصله بیک اطلاع میدهد که از پرداخت وجه مزبور خودداری شود.

وقتی آهن فروش علت این عمل را از نیکبور می پرسد، مدیر روزنامه خبر اظهار میدارد که من تورا نمیشناسم، برو شکایت کن و ...

برای اینکه خوانندگان ماروزنامه «خبر» را بشناسند، متذکر می شویم که این روزنامه در ابتدا بطرفقاری از جبهه ملی تظاهر میکرد، ولی از چندی بانظر نیکبور یک چند تن توده ای روزنامه را بصورت جدیدی در آورد و بایک وضع مضحک و مطالب ضدتوقیفی، بدفاع از «دموکراسی های توده ای» و مضافات برخاست.

نقش اصلی این «روزنامه» اینست که در صفحات خود، علیه جبهه ملی و مطبوعات ملی خبر جعل میکنند و این «اخبار» را بوسیله آیتنه، بنوان «خبر» یکی از روزنامه های «طرفدار جبهه ملی» بخورد هواداران خود تحویل می دهد.

چنین است داستان یک صحنه سازی که از کلاهبرداری و دزدی شروع می شود و بهتمت برانی و دودغ بر تاپ کنی خاتمه مینماید.

ادامه یک حکومت ملی

بقیه از صفحه ۱
آنسان بسا فضاخت و رسوائی فرادان فاش گردیده و معرک های اصلی در پشت نقاب های عوام فریبی و دلسوزی و طرفداری از اصول شناخته شده است معذک باردیگر تلاش و فعالیت دامنه دار خود را بانیرو و پشت کار زیادتری آغاز نموده اند.
این شرابکاریها از کجا سرچشمه میگردد. مبداء اصلی این فعالیت ها و توطئه هاجیت. چهار هفته و یاهرمه عدهای از وزعیای قوم دست بیخافت تازه ای میزنند و با سیاسی و ضد استعماری و ملی دکتر مصدق ازدجنگ درمی آید. آنها که صدها بار قلمو قلمها دکتر مصدق را تاید کرده اند و سیاست ملی و ضد استعماری او را ستوده اند بطور جرمت میکنند علیه او قیام نمایند و اقدامات او را مبتنی بر «سوء نیت» اعلام نمایند. مسئله ساده است. ادامه حکومت مصدق و «انسرفری» که این حکومت بوجود می آورد برای فعالیت حیاتی و تنفسی بر توتوس های وطنی و فرزندان بر توتوس مناسب نیست. در حکومت دکتر مصدق اندک بیجا طلبیهایی غیر مشروع و جاهل و آنها که بکروز در مبارزه منفی اعتبار کسب کرده بودند خانه داده میشود زمینه هوم فریبی را از آنها که تا دیروز بطرفداری از مصدق تظاهر میکردند و امروز که وصول بافراض خصوصی و غیر مشروع را فریسمر میبندند آنهاک مخالف ساز کرده اند میگردد و بالاخره هر کس را بتدریج بر سر جای خود مینشانند. رجال کهن و وزیران و نخست وزیران سابق و اسبق نمایندگان سابق مجلس و سناتورهای کجانی که آرزوی راه یافتن ب مجلس ایران را برای همیشه از دست داده اند پس از برداشتن عالی مرتبه بازنشسته و بالاخره عدهای از نمایندگان مرحوم ملی که پس از برداشتن شدن ماسک در بررسی انتخابات ادوار آینده انتقاری برای خود سراغ ندادند و دست و دمالت بر سینه آنها خواهد خورد. میخواهند حیات سیاسی از دست رفته را مجددا احیاء کنند و برای اینکه خودشان با راه و روشهای گذشته امکان تجدید حیات داشته باشند تا کز بر نه علیه حکومت دکتر مصدق و نهضتی که روشهای گذشته استعماری را محکوم میکند توطئه نمایند.
دولت و ملاقاتها و جلساتی که در خارج مجلس صورت میگردد بازم یکی دیگر از همان توطئه ها و خرابکاریهای همیشه ای است.

چند نفر از نمایندگان مجلس با چند نفر از نمایندگان خارج از پارلمان که با خانه شامه داوینک استریت سمبانی و ارتباط تاریخی دارند از دکتر مصدق ایراد گرفته اند چرا مسئولین حادثه سی ام تیر تاحال بیخادند. ...
بدنی و حفظ نگاهداری مسئولین و اقامه از خشم مردم سهم بزرگ و مؤثری دارند ناگهان پس از سه چهار ماه بیاد میدادند افتاده اند و از این که انتقام خون آنان تاحال گرفته نشده است متانزله مخالفین تعقیب مسئولین سی تیر و کسانی که در حکومت چند روزه قوام دوستان قدیم را بهلافت افرستاده اند امروز برخون شهدای سی ام تیر تسامح و از اشک میریزند و ب مصدق مینانند!
به چینه و به مخالفت جدی دست برزند بهانه ای هم برای خود تهیه مینمایند، امامتله اینست که ملت ایران احوال و اقدامات این عناصر را از روی هوبت آنها قضاوت میکنند و میدانند که بکروز در حزب توده و روز دیگر در حزب دمکرات قوام السلطنه نام نوشته اند و بعدا تیر در جریان های سیاسی دیگر تنها بنظور استفاده شخصی شرکت نموده اند هفتی جز اغراض و هوسهای خصوصی در پیش ندارند. آنها که محاکمه مسئولین سی ام تیر را بهانه کرده اند. تاد زیر آن نقاب به دکتر مصدق تانزند. بنظر ما اینها و این توطئه ها و خرابکاری ها مهم نیست و تاریخ نشان شان را زیاد بیاد دارد. بروتوسها و کسان بر توتوس هرگز از صحنه تاریخ محو نشده اند و در هر دوره متناسب شرایط ضریات خود را وارد نموده اند مسئله خیلی جدی که امروز مورد بحث ماست روش آقای دکتر مصدق و دولت ایشان در قبال بر توتوس های وطنی میباشد.

شاید زیاد تر از یکسال پیش نوشتیم که روش لیبرال منشا آقای دکتر مصدق در تمام جهات و از جمله در زمینه مباحثات و ابراز ملایمت با عناصر و عوامل استعماری و غیر ملی خرابکار داخلی متضمن خسارات و خطراتی خواهد بود و نهضت ملی ایران را باید در قبال این خسارات و خطرات حمایت نمود
مادر آن تاریخ صراحتا اعلام کرده اند که با دستکاه دولتی هیئت حاکمه که مدت نیم قرن مجری طرحهای استعماری بوده است و ساز ادبایان لندنی رقصیده انجام برنامه های نهضت ملی غیر ممکن است

ما در آنتاریخ اعلام داشتیم که اولین قدم دولت آقای دکتر مصدق باید تصفیه دستکاه دولتی و طرد ورده عناصر و عوامل مغرب و معلوم الحال باشد تا نهضت ضد استعماری بتواند از داخل صورتیت داشته باشد و با آرامش خاطر پیش برود
در این کشور هزاران فرد تحصیل کرده و متخصص وجود دارند که در کار های کوچک اداری انجام وظیفه مینمایند و با اساسا سالها از داشتن یک کارموظ که مخارج ناچیز زندگی آنها را تامین کند معرور مانده اند ولی رسم بر این است که کارهای بزرگ بیوسته بکسانی که دارای سوابق (!) بوده اند سپرده شود و عنوان «جوانی» و «نداشتن سوابق و معروفتی» یکی از موانع بزرگ برای خدمت بملکت محسوب میگردد

در هر حال توصیه ای که یکسال قبل بعمل آمد مورد توجه جدی قرار نگرفت و دستکاه فاسد بیعیات خود و بیخربکاری خود علیه نهضت ملی ادامه داد. باند فاسد دست نشاند استعمار از یک طرف و باند مغرب و فاسد کننده کینفرمیت از طرف دیگر در تمام دستکاه و معازل زمانه اداران نفوذ دارند و با اجرای نقشه های خود مشغول هستند

آقای دکتر مصدق نه تنها تصفیه قطعی و قوری دستکاه حاکمه نپرداختند بلکه از شناساندن و معرفی کردن خرابکاران و توطئه گران و کودتاچیان نیز خودداری نمودند و این ایراد جدی و اساسی ما با ایشان است

اگر آرزو که عده ای از نمایندگان مجلس در رکاب استوکس و در هنگام وداع اشک تحسیر میریزند نامشان اعلام میشد اگر کسانی که در جریان خلق بد بفتح شرکت سابق خوش رقصی کرده بودند معرفی میشدند

اگر مخالفین نهضت ملی که شبها برای اسقاط کردن دولت دکتر مصدق جلسه و توطئه می نمودند در معرض قضاوت و انکار عمومی قرار میگرفتند امروز عده ای برای رسیدن به هوسهای پلید شخصی فلنا علیه دکتر مصدق قیام نمی کردند و اقدامات دولت دکتر مصدق را مبتنی بر سوء نیت اعلام نمینمودند

دولت دکتر مصدق که مظهر و نمودار نهضت ملی ایران است جز اینکه در مقابل متجاوزین بی حقوق عمومی مردم و خرابکاران و توطئه گران معصوم و قاطع باشد

آیا انتصاب دالسی

بقیه از صفحه ۱
مسئله مهم اینست که بجای خرده گیری و انتقار از اشتباهات سعی کنیم که از آنها درس عبرت بگیریم.
حال بینیم مسائل مهم روز که در برابر وزیر خارجه جدید قرار دارند چیستها هستند:

روابط انگلیس و آمریکا هم مشربین عامل اتحاد ممالک غربی بشمار میرود بخصوص که انگلیس میانه خوبی با دالسی ندارند مغرب مجله مزبور نیز از لندن گزارش میدهد: «روز انتصاب دالسی را باسانی میتوان بننوان یک روز سگواروی ملی برای بعضی از دوا بر رسمی انگلیسی اینطور اعلام داشت، انتصاب وزیر خارجه بقدری مؤثر و موجب وحشت انگلیس بود که بعضی از مأمورین عالی مرتبه واشنگتن مقیم انگلیس اینطور شایع کردند که اگر این شخص دالسی باشد، آن دالسی خواهد بود نه جون فوستر دالسی»
انگلیسها از این جهت از دالسی مضطرب هستند که فکر میکنند او آنان را بواقفت با قضاچهین ملی در بیان صلح با ژاپون وادار خواهد ساخت. آنان از حمایت دالسی درباره آزاد کردن پروان انگلیسی متور شدند و منتظرند که وی برای ارضای جناح راست حزب جمهوریخواه آمریکا بچنگ بیاورد و دست جواب این سخنان مجله نامبرده در جواب این سخنان مینویسد که: دالسی کاملا آگاه و مطلع است که گله ها و تکرانیهای انگلیس از بیمان صلح با ژاپون سر چشمه میگردد و ادامه میدهد آنانکه با دالسی و وزیر خارجه را بچنگ میهند، و حجت انگلیس را در مورد اینکه آمریکا آن دولت را به لایب چنگ خواهد کشاند مورد استیزا و تسخر قرار میدهد، و خاطر نشان میسازد که رئیس جمهوری و وزیر خارجه آینده آمریکا از مخالفین جدی توسعه حوادث و ماجرا ها هستند و متذکر میشوند که راه نزدیکی انگلیس و آمریکا وابسته باین مسئله است که آن دولت اختلافات فعلی خود را مثل مسئله نفت ایران فیصله دهد و همکاری از هر دو جانب باشد

شرق اقصی ایرانها و دالسی چنگ که را بریزد کترین تمهد و مسئولیتی میداند که برسیاست بلوک غرب فشار وارد میاورد و معتقدند که برای متار که چنگ در کره بکراه حل معجز آسامو وجود نیست و چنگ کره موقتی تمام میشود که مسائل مربوط باخورد دور حل شود زیرا چنگ کره منفک از آن مسائل نمیتواند باشد این مجله آنگاه مینویسد که انگلیس و آمریکا یک منظور مشترک دارند و آن دور کردن چین از شوروی است زیرا اتحاد چین و شوروی است که کین فرم را قادر میسازد تا بقیه ممالک آسیای داینز تحت تاثیر قرار دهد تهدیدات به تحریم غرب از بازارهایی که شالوده صنعت غرب متکی بآن است و دادن تامین حکومت ها رای توسعه منابع سرشارشان موجب گسترش یک امپراطوری عظیم میشود

اتحاد اروپا، متکمی که ایرانها و فرمانده عالی اروپا بود برای تشکیل جامعه دفاعی اروپایی مجاهدات زیادی بکاربرد و امروز نیز دالسی با وزیر خارجه هم عقیده است که این امر باید بتواند هسته اصلی سیاست ایالت متحده تلقی گردد.
در حقیقت گزارش رسیده که دالسی خیال دارد اتحاد اروپا را در درجات بالا تری جامعه عمل بپوشاند.
او فکر میکند که نقشه اروپایی شومان که موجب اتحاد تنها دولت اروپایی می شود کافی نیست و بایسته آن را طوری تنظیم کرد که برای دیگر دول اروپایی نیز شامل گردد.

مجله مزبور پس از اشاره باشکالاتی که فرانسه در راه ایجاد سپاه اروپایی بعمل می آورد از قول مغرب خود در پاریس می نویسد:

توافق و سازش فرانسه و آلمان بیشتر از هر موقع دیگر مشکل گردیده است و متعلا نصف بیشتر ۶۲۵ نماینده مجلس ملی فرانسه علیه سپاه اروپایی رای خواهند داد، و رجال برجسته فرانسه نیز هر روز طی مقالات خود می گویند بایاید شرایط فعلی سپاه اروپایی تغییر کند و با یکسای رد گردد.
این بود نکات برجسته ای که در روز های اول وزیر خارجه آمریکا با آن مواجه است.

پنجشنبه چاپ دوم

نقش شخصیت در تاریخ

ترجمه خلیل ملکی

از طرف کتابفروشی توکلیمان و ح - سکاکی منتشر میشود

روزنامه نیروی کشاورزان

شماره ۴ نیروی کشاورزان ارگان تشکیلات دهقانی حزب زحمتکشان ملت ایران روز پنجشنبه منتشر می شود از خواندن آن غفلت نفرمائید

چاره ای ندارد.
تصفیه دستکاه دولتی و طرد کلیه عناصر امپریالیستی و کینفرمیتی معرفی تمام توطئه گران و عوامل و عناصری که علیه دولت و علیه مردم نقشه میکشند و توطئه میچینند و بالاخره اعلام فعالیت های شبانه و پشت پرده کسانی که نتوانسته اند در دوران این حکومت با اغراض و مقاصد خصوصی دا افتنا نمایند و بنان و آبی که مطلوبشان بوده است برسد اولین وظیفه دولت برای حفظ و نگهبانی نهضت میباشد.

اگر چندی پیش که سرو صدای کودتا بلند شد و چنده نفر بهیون جرم توقیف شدند تمام جریان برای قضاوت عامه اعلام میشد امروز با مانده گان آن توطئه موق با دامه نقشه قبلی نیک گردیدند و مبارزه مردم را در وسط کلام متوقف نمسی ساختند.
ما بار دیگر به آقای دکتر مصدق توصیه میکنیم که در مقابل دشمنان ملت و خرابکاران قاطع و معصم باشند. قضاوت عموم مردم و آگاهی آنها بر فعالیت و اخلاقیات عناصر هوم مغرب و خود پسند بزرگترین عاملی است که هر گونه توطئه ضد آزادی را خنثی میکند و نهضت ضد استعماری ما را از خطرات حال و آینده رهایی میدهد.

نامه مسئولین حزب زحمتکشان در رشت
رفقای مبارز رشت!

پیام همزمان خود گوش فرا دهید
ما از میان صفوف فشرده جوانان مبارز تهران شمارا بوقیت حساس کنونی آگاه میسازیم پروژ مبارزه صادقانه ما فرا رسیده است مسیر هدف آیتند ما تسطیح شده و وقایق مبارزات ما را سر برتر کرده است.
رفقای عزیز! سکوت ما تاکنون فقط بنظور کشف حقیقت بوده است ما حقیقت مطلوب را از گریبان نیروی سوم نیروی لایزال ملت ما پیدا کرده ایم و ندیده گرفتن حق و حقیقت را خلاف بشریت دانسته بدینوسیله و ایستکی مستحکم خود را بحزب زحمتکشان ملت ایران و ارگان آن نیروی سوم اعلام داشته منتظریم که فبا همزمان ما، شما جوانان روشنگر و کارگران قهرمان که ما را در میان نیز از سر نیزه و دم آردا منفور و حکومت چاپر قوام یاری کرده اید بندهای حقیقیات ما باسخ مثبت داده و بیوستگی خود را بصوف در هم فشرده ما اعلام دارید
عسکر نصیری دبیر سابق سازمان جوانان - احمد شهیدی مسئول تشکیلات و گوینده سابق موزهها

منظور ما از اتحادیه قلابی هنرپیشگان
اتحادیه موجود نبوده است

در شماره ۳۸ روزنامه، خبری درباره اتحادیه قلابی که بعضی دستجات تصد دارند بنام هنرپیشگان درج شده بود که دشمنان ما آن را سوء تعبیر کرده و خواسته اند بهمانند که اولاً تصدما طرفنداری از مدبر تأثر گیتی بود و ثانیاً نظر سوتی نسبت با اتحادیه موجود هنرپیشگان داشته ایم در صورتیکه تصدما هیچکدام از دو موضوع بالا نبوده است. ولت وجودی ما بستگی ناگسستی بطرفنداری استشار - شدگان است نه استشارچیان و از طرفی هیچگونه نظر سوتی نسبت با عضاء ملی اتحادیه موجود نداشته و نداریم.

صاحب همتان

زنان و مردان ایران

اگر بادامه صحیح و منطقی نهضت ملی ایران علاقمندید
اگر با استقلال نهضت های ملی آسیا و افریقا از جریان های بزرگ سیاسی جهان متعهدید.
اگر به تربیت نسل جوان مطابق انسکار ملی و مترقی علاقه دارید.
اولاً - با خریدن قبوض آغا نه حزبی بشعه نیروی سوم بیا که کمک کنید.
ثانیاً - با ریختن سرمایه اعم از هزده یا قرض به «تعاون مطبوعاتی پیشرو» که تحت نظر مستقیم آقای خلیل ملکی اداره می شود مساعی مطبوعاتی ما را تقویت کرده و توسعه دهد.
ثالثاً - اگر بطبع و نشر کتب بخصوصی که خودتان علاقه مندید و یا بانتعاب ماوا که در می کنید به عنوان بانی برای ترجمه و طبع و نشر آن کتب به رجوع کنید و دو قطعه عکس و شرح حال مختصر خود را برای ما بفرستید.
نشانی تهران خیابان - مدی بالای شرکت بیمه کوچه بدایعی

بیمه اصعبیت و پیشهاد هندوستان

بقیه از صفحه ۱
خوبی را که در دست آوردن با انسان نصیبش شده بود بیکبار دیگر در دره امتحان کند قبلا نقشه این امر تنظیم شده بود.
این امر چیزی نبود که در هر حال بر آوردس ها ضرر داشته باشد.
دروخله اول قوا و تجهیزات کسره شالی وارد میدان میشوند اگر قرضیه بهیون جا خانه پیدا میکرد و کره جنوبی بلاشرط وبدون دخالت آمریکا تسلیم میشد که چه بهتر و روسیه بدون دیناری خرج و بدون دخالت و کشته دادن یک سر با زورسی کره جنوبی را هم ضمیمه متصرفات امپراطوری سرخ میکرد.

اگر قرضیه دنباله پیدا میکرد، بازم روسیه نگران نبود؛ این هجوم و حمله یک پشتوانه بی پایان داشت و آنهم ارتش کونیست چین و ذخایر جنگی و انراد چینی بودند.
همانطور که دیدیم کره جنوبی با دخالت ارتش آمریکا تسلیم نشد و چونکره بصورت روسها خانه پیدا نکرد و بالاخره قوای کره شالی هم بقبضه افتادند. شدیم و بیمن آن مبرفت که کره شالی بکلی در تصرف قوای آمریکا در آید، در اینوقت ارتش کونیست چین با سم داوطلبان چینی رسا وارد چنگ شدند حال بینیم قرضیه از نظر سیاسی بچه ترتیب بوده است.

قبل از شروع چنگ کره وقتی که روسها نقشه تهاجم بکره جنوبی را قبلا تنظیم کرده بودند بناگاه مسیو ژوزف مالیک نماینده شوروی در شورای امنیت بیبانه های پوچی از شورا بننوان اعتراض بیرون رفت و باصلاح قهر کرد و دیگر در جلسات شورای امنیت شرکت نکرد اما نماینده روسیه در شورای امنیت بود بلا فاصله می توانست بعد از چنگ کره از حق و توی خود در مورد دخالت ارتش ملل متفق در چنگ کره جلوگیری کند و باصلاح امر ظاهر ام بفتح شوروی وهم بفتح کره شالی بود. اما نماینده دولت شوروی از شورای امنیت بیرون رفت و بلا فاصله ارتش کره

شالی بکره جنوبی حمله کرد؛ و سازمان ملل متحده هم دخالت ارتش دول عضو سازمان را بر علیه کره شالی تصویب کرد چنگ کره در مسیر عادی خود افتاد ماها سکوت کرد.
وس از اینکه ارتش آمریکا و سایر دول راد کرده شده، آقای مالیک نماینده شوروی در سازمان ملل بجای خودش بر کشت و معلوم نشد که این قهر و آشتی برای چه بود؛
امروز دولت چین با دخول در چنگ کره در چنگ دولت شوروی افتاده است متجاوز از چندین میلیون دلار تا کنون فقط دولت شوروی بچین هواپیما و مهمات جنگی فروخته است،
دولت چین را علا با دولت آمریکا و دول غربی رو بر کرده و از طرفی چینی ها را که نمیتوانستند کوشش و فعالیتشان صرف بهبودی اوضاع داخلی شود، بیک چنگ دامنه دار طولانی مشغول کرده است امروز دولت چین در حقیقت با آمریکا و دول غربی در حالت چنگ است، روابط تجاری خود را با دول اروپایی قطع کرده است، مقدار زیادی از نواهای خود را بچین و است برای چنگ کره و معارج آن صرف کند با ضافه تمام اینها، باید دنباله روی سیاست شوروی باشد، و میلیون ها دلار از بودجه خود را برای خرید اسلحه و مهمات بدولت شوروی بدهد در شرایط کنونی بین المللی و با سراسر اقتصادی که دولت کونیست چین در پیش گرفته بود در واقع دولت روسیه شوروی میترسید که یک تیتوی دیگری در آسیا وجود آید.

تصفیه کردن دولت کونیست چین و معطیح نگاهداشتن این قدرت عظیم بشری مهمترین محور سیاست شوروی در خاور دور است و امروز تنها قدرتی که از چنگ کره منتفع میشود دولت شوروی است.
و تهادولتی که بهبوجه واضی بضاتنه پیدا کردن چنگ کره نیست دولت شوروی می باشد.